

**Received:** 2022/6/8

**Accepted:** 2022/12/25

from 159 to 176

**Rasoul Muhammad-Jafari**

Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Shahed University, Tehran, Iran.  
Corresponding author.  
r.mjafari@shahed.ac.ir

**Sadegh Zamani**

Master of Quran and Hadith Sciences, Shahed University, Shahed University, Tehran, Iran.  
sadeghszd1995@gmail.com

**Zeinab Pedram**

MSc student of Child and Adolescent Clinical Psychology, university of social welfare and rehabilitation sciences Tehran, Iran.  
zeinabpedram52@gmail.com

**Keywords:**

Imam Hossein (AS), Traditions, Personality, Heredity, Environment, Will

## **The Role of Heredity, Environment and Will in the Formation of the Personality of Imam Hossein (AS) from the Perspective of Traditions**

### **Abstract**

The divine leaders are like other human beings, the most significant difference of whom is receiving revelation to guide people to monotheism. However, some people have exaggerated about them for a long time, which prevents them from motivating to worship God and then makes these eternal patterns not to be unparalleled. Imam Hussain (AS) is one of the most prominent divine leaders, who has been considered exaggeratedly by a group of people since his martyrdom. To fight exaggeration one must be aware of the role of heredity, environment and will in the formation of the personality of Imam Hossein (AS). Based on the descriptive and analytical method, this research seeks to answer the question that “how is the role of heredity, environment and will in the formation of the character of Imam Hossein (AS) from the point of view of traditions?” Findings show that, firstly, Imam Hossein (AS) inherited the physical, intellectual and moral characteristics of his father, mother and grandfather. Second, the prenatal environment is the intrauterine environment; Her holiness Fatima (AS) raised her child with sensitivity. The natural environment did not play a significant role in the formation of Imam Hussain’s personality, except his distinctive and miraculous nutrition. As for his family, three members have been effective: The Prophet (PBUH), Imam Ali (AS) and Fatimah Zahra (AS). There was no friend who had the same level of influence on him except Imam Hassan (AS). It is not possible to imagine a share for the culture and education of that era, for the family of the Prophet (PBUH) and himself were responsible for its change. Third, will had the most important role to his personality as his last days of life was the true manifestation of the willpower of a self-made man.

## نقش وراثت، محیط و اراده در شکل‌گیری شخصیت امام حسین (ع) از دیدگاه روایات

### رسول محمد جعفری

دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث،  
دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده  
مسئول)  
r.mjafari@shahed.ac.ir

### صادق زمانی

کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن  
و حدیث، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.  
sadeghszd1995@gmail.com

### زینب پدرام

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه  
روانشناسی بالینی کودک و نوجوان،  
دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت  
اجتماعی، تهران، ایران.  
zeinabpedram52@gmail.com

### چکیده

پیشوایان الهی مانند دیگر انسان‌ها هستند. شاخص‌ترین تفاوت آنان دریافت وحی برای رهنمود به توحید است. با وجود این، عده‌ای از مردم از دیرباز درباره‌ی این پیشروان به آفت غلو دچار شده‌اند که مانع از سوق انسان‌ها برای عبودیت خداوند و اسوه‌ناپذیر جلوه دادن این الگوهای جاودانه است. امام حسین (ع) یکی از برجسته‌ترین رهبران الهی است که از همان دوران شهادتش، برخی به ایشان باور غالبانه داشته‌اند. یکی از روش‌های مقابله با غلو، آگاهی از نقش وراثت، محیط و اراده در شکل‌گیری شخصیت امام حسین (ع) است؛ بنابراین، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که نقش وراثت، محیط و اراده در شکل‌گیری شخصیت امام حسین (ع) از دیدگاه روایات چگونه است؟ یافته‌های تحقیق حکایت از آن داشت که نخست، امام حسین (ع) وارث ویژگی‌های جسمانی، عقلانی و اخلاقی پدر، مادر و جدش بوده است؛ دوم، محیط پیش از تولد محیط درون‌رحمی است. حضرت فاطمه (ص) با حساسیت فرزند خود را پروراند. محیط طبیعی نقش‌چندانی در شکل‌گیری شخصیت امام حسین (ع) نداشت، مگر تغذیه‌ی متمایز و اعجازگونه‌ای که داشت. در محیط خانواده سه عضو پیامبر (ص)، امام علی (ع) و حضرت زهرا (ص) مؤثر بوده‌اند. هم‌سالان و دوستانی که در تراز اثرگذاری بر آن حضرت باشند، وجود نداشت، مگر امام حسن (ع). برای فرهنگ و تعلیم و تربیت آن عصر نمی‌توان سهمی متصور شد؛ زیرا خانواده‌ی آن حضرت و خود ایشان تغییر آن را عهده‌دار بودند؛ سوم، اراده مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری شخصیت امام حسین (ع) داشت. واپسین دوران زندگی آن حضرت تجلی حقیقی قدرت اراده‌ی یک انسان خودساخته است.

### واژگان کلیدی:

امام حسین (ع)، روایات، شخصیت، وراثت، محیط، اراده.

پیشوایان الهی مانند دیگر انسان‌ها هستند: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» (کهف: ۱۱۰؛ فصلت: ۶) و مانند آنان می‌خورند و می‌آشامند و در بازارها راه می‌روند: «إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ» (فرقان: ۲۰)؛ «يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ» (مؤمنون: ۲۴). شاخص‌ترین تفاوت راهنمایان، دریافت وحی برای رهنمود به توحید است: «يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ» (کهف: ۱۱۰؛ فصلت: ۶). با وجود این، عده‌ای از دیرباز درباره‌ی این پیشروان به آفت غلو دچار شده‌اند، چنان‌که برای عیسی<sup>(ع)</sup> مقام الوهیت قائل گردیدند: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ» (مائده: ۱۷) و او را یکی از سه خداوند عالمیان پنداشتند: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ» (همان: ۷۳). کمترین آفات چنین پنداری، از سویی ممانعت از سوق انسان‌ها برای عبودیت خداوند است؛ بنیادی‌ترین رسالتی که عهده‌دار هستند: «مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ» (همان: ۱۱۷) و از سوی دیگر، اسوه‌ناپذیر جلوه دادن این الگوهای جاودانه است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ» (ممتحنه: ۶). حسین‌بن‌علی<sup>(ع)</sup> یکی از برجسته‌ترین پیشوایان مانا و کم‌نظیر بشری است که شعاع هدایت‌گری و اثرگذاری‌اش مرزهای جغرافیایی، فکری و عقیدتی را درنوردیده است و وظیفه‌ی سترگش را با خون خود، خویشان و یاران و با اسارت خانواده‌اش به ثمر رساند. از همان دوران شهادتش، عده‌ای از مدعیان تشیع به این سفیر بشری و صفیر الهی باور غالبانه داشته‌اند. به باور آنان، امام حسین<sup>(ع)</sup> چون عیسی<sup>(ع)</sup> به شهادت نرسید. امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمودند: اینان خبر پیامبر<sup>(ص)</sup> و ائمه<sup>(ع)</sup> درباره‌ی شهادت امام حسین<sup>(ع)</sup> را تکذیب کردند؛ بنابراین، کافر هستند و خونشان مباح است و از شیعیان ما نیستند (صدوق، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲). به امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز خبر می‌دهند که عده‌ای در کوفه چنان باوری داشته‌اند و معتقد بودند در کربلا به‌جای امام<sup>(ع)</sup>، یکی از یاران شبیه ایشان به نام «حَنْظَلَةَ بْنِ أَسْعَدٍ» به شهادت رسید. امام رضا<sup>(ع)</sup> آنان را لعنت می‌کند و به علت تکذیب خبر پیامبر<sup>(ص)</sup> در به شهادت رسیدن آن حضرت، آنان را کافر معرفی می‌نماید (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۰۳). در روایتی از امام عصر (عج)، ایشان باورمندان به شهید نشدن امام<sup>(ع)</sup> را کافر، دروغ‌بند و گمراه می‌شناساند (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۴۵۲).

باری، باور غالبانه نسبت به امام حسین<sup>(ع)</sup> خواه به‌طور یادشده و خواه به هر شکل دیگر، غیر از آفت شرک، الگوپذیر جلوه دادن این برترین الگوی بشری است. مهم‌ترین سبب اندیشه‌ی غالبانه، جهل نسبت به حقیقت آفرینش و کیفیت شکل‌گیری شخصیت آن حضرت است؛ بنابراین، شاید زداینده‌ی چنین پندارهایی، آگاهی از نقش وراثت، محیط و اراده در شکل‌گیری شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup> است. شخصیت مجموعه کیفیت‌های موروثی و اکتسابی است که ویژگی فرد است و او را منحصر به فرد می‌کند (فروم، ۱۳۶۰، ص ۶۰۶). آگاهی از تأثیر وراثت و محیط، نقش علل طبیعی، خانوادگی و اجتماعی را در تکوین شخصیت می‌نمایاند و آگاهی از اراده، نقش اختیار، انتخاب و تلاش را در تکوین شخصیت نشان می‌دهد. در جوامع حدیثی و آثار تاریخی، روایات و گزارش‌های فراوانی وجود دارد که با بهره‌گیری از آن‌ها می‌توان به این مهم نائل آمد.

در موضوع بحث نزدیک‌ترین پژوهشی که نگاشته شده است، مقاله‌ی «تأثیر خانواده، محیط و اراده در شکل‌گیری شخصیت انسان از دیدگاه امام علی<sup>(ع)</sup>» است. درباره‌ی شخصیت‌شناسی امام حسین<sup>(ع)</sup> نوشتاری با عنوان «شخصیت‌شناسی امام حسین<sup>(ع)</sup>»، به‌اجمال از ادوار زندگی امام<sup>(ع)</sup> و مکارم اخلاقی آن حضرت سخن گفته است. با عنایت به خلأ پژوهشی، نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که نقش وراثت، محیط و اراده در شکل‌گیری شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup> از دیدگاه روایات چگونه است؟

## ۱- مبانی نظری تحقیق

هر فرد ویژگی‌های بدنی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و به‌طورکلی مشخصات روحی، استعدادها و توانمندی‌های ویژه و منحصربه‌فردی دارد که شخصیت وی نامیده می‌شود. بی‌شک در شکل‌گیری این ویژگی‌ها عواملی دخیل هستند که بدون در نظر گرفتن آن‌ها نمی‌توان به درک درستی از شخصیت دست یافت (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۴، ص ۶۰). عوامل تشکیل‌دهنده‌ی شخصیت را می‌توان در سه دسته‌ی کلی وراثت، محیط و اراده قرار داد.

### ۱-۱- وراثت

وراثت در اصطلاح علم ژنتیک عبارت است از: «انتقال خصوصیات جسمی و روانی از والدین به فرزندان» (اوبرباخ، ۱۳۶۳، ص ۸). در تعریفی دیگر، «صفاتی است که از پدر و مادر و از طریق ژن موجود در کروموزوم، به انسان منتقل می‌شود و شخصیت فرد را می‌سازد» (ای‌برک، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۷۳). ژن واحدهای اطلاعات در داخل سلول و عامل انتقال صفات و خصوصیات ارثی از والدین به فرزندان هستند (بیکر، ۱۳۸۷، ص ۱۰). «مک‌کین کتل» به‌وسیله‌ی مقایسه‌ی آماری شباهت‌های موجود میان دوقلوهای پرورش‌یافته در یک خانواده، دوقلوهایی که جداگانه بزرگ شده‌اند، همشیره‌های غیر دوقلویی که در یک خانواده پرورش یافته‌اند و همشیره‌های غیر دوقلویی که جداگانه بزرگ شده‌اند، اهمیت عوامل وراثت و محیط را بررسی کرد. نتایج این تحقیق‌ها نشان داد که در برخی از صفات، وراثت نقشی اساسی دارد (پی‌شولتز و الن شولتز، ۱۹۹۸، ص ۳۰۹). «هانس آیزنک» معتقد بود، نقش عوامل محیطی در شکل‌گیری شخصیت محدود است و صفات و ابعاد آن عمدتاً به‌وسیله‌ی وراثت تعیین می‌شوند (پی‌شولتز، ۱۳۸۱، ص ۳۲۴).

### ۲-۱- محیط

محیط از عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت افراد است. عده‌ای از نظریه‌پردازان معتقدند که بسیاری از ویژگی‌های روانی و اخلاقی که به وراثت نسبت داده شده است، درواقع، تحت تأثیر محیطی است که فرد در سال‌های ابتدایی زندگی در آن زندگی می‌کند (همان، ۱۳۸۷، ص ۳۱۲). تأثیر محیط، به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و رشد شخصیت بر فرد، به حدی است که گاهی فرد را وادار می‌کند تا به‌رغم میل باطنی خود، دست به انجام عملی بزند که رضایت

اجتماعی را در برداشته باشد (نیکزاد، ۱۳۸۴، ص ۲۱۱). هنگامی که از محیط به عنوان یکی از عوامل مؤثر در رشد نام برده می شود، منظور دو محیط است: ۱. محیط پیش از تولد؛ ۲. محیط پس از تولد. محیط پیش از تولد محیط درون رحمی است که محیطی محدود با عواملی متنه‌ای شناخته می شود. حائز اهمیت است که تأثیرات آن محیط بر موجود درون رحمی پایا و تا اندازه‌ی بسیاری یک‌سویه و غیرقابل جبران است؛ بدین معنا که جنین درون رحمی تنها تحت تأثیر عوامل رشدی همچون اکسیژن، مواد غذایی، حرارت و همچنین حالات روانی مادر قرار می‌گیرد و قابلیت تأثیر آن چنانی روی محیط را ندارد (مصباح و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۷).

محیط پس از تولد محیطی گسترده‌تر با عوامل متنوعی است که می‌توان آن را به دو دسته‌ی محیط اجتماعی و طبیعی تقسیم کرد. منظور از محیط طبیعی، عواملی همچون آب و هوا، تغذیه و منطقه‌ی جغرافیایی است (ثقفی، ۱۳۸۳، ص ۳۱-۳۶). محیط اجتماعی نیز شامل ارتباط میان افراد است که از روابط میان اعضای خانواده شروع می‌شود. تأثیر والدین در شکل‌گیری شخصیت کودک از جهات گوناگون مورد توجه نظریه‌پردازان شخصیت قرار گرفته است. خانواده مهم‌ترین عامل محیطی به‌شمار می‌آید که جامعه‌ی نسبتاً کوچکی را شامل می‌شود و هریک از اعضای آن به شکلی بر دیگری اثرگذار هستند (اشنیوید، ۱۳۸۲، ص ۱۴-۱۷).

پس از خانواده، محیط‌های مختلف اجتماعی از جمله محیط تعلیم و تربیت، هم‌سالان و فرهنگ در شکل‌گیری شخصیت اهمیت دارند (ثقفی، ۱۳۸۳، ص ۳۱-۳۶). ویژگی‌های فرهنگی آن جامعه از دیگر عوامل اجتماعی مؤثر بر شخصیت انسان است. فرهنگ مجموعه‌ای از نحوه‌ی انجام امور، احساس و فکر کردن را مشخص می‌کند که میان اعضای یک جامعه مشترک است (بادن، ۱۳۷۴، ص ۱۰۰). تعلیم و تربیت عامل دیگری از محیط اجتماعی است. این عامل به حدی می‌تواند اثربخش باشد که مانند دربارهی آن می‌نویسد: بزرگ‌ترین حادثه‌ی جامعه‌ی انسانی لحظه‌ای است که یک کودک پنج‌ساله برای اولین بار وارد فضای تعلیم و تربیت می‌شود (بادن، ۱۳۷۴، ص ۸۵).

### ۳-۱- اراده

اراده یکی از عوامل مهم در تکوین شخصیت است که موازی با دو عامل وراثت و محیط و بلکه اثرگذارتر از آن دو است. اراده در اصطلاح به این معنا است که اگر همه‌ی مقدمات برای انجام یک کار فراهم باشد؛ اما فاعل تمایل برای انجام نداشته باشد، کار انجام نمی‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۴۴۳-۴۴۴). جایگاه اراده موجب شد تا نظریه‌پردازان توجه ویژه‌ای به این عامل داشته باشند. آدلر به‌عنوان نظریه‌پرداز شخصیت بیان می‌دارد که نه وراثت و نه محیط، هیچ‌کدام نمی‌توانند رشد شخصیت را به‌صورت کامل تبیین کنند و ما به‌صورت نافع‌ال، به‌وسیله‌ی تجربیات کودکی شکل داده نمی‌شویم (پی‌شولتز، ۱۳۸۱، ص ۱۴۴ و ۱۴۹). جورج کلی نیز معتقد است، ما قادریم دیدگاه خود را عوض کنیم و سازه‌های جدیدی را همراه با پیش‌بینی‌های مربوط به آن شکل دهیم که این همان مفهوم اراده‌ی آزاد است (همان، ص ۴۴۰) و مسئولیت سرنوشت ما بر عهده‌ی خودمان است (راس، ۱۳۷۳، ص ۱۶۷).

## ۲- نقش وراثت، محیط و اراده در شکل‌گیری شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup>

نقش هریک از سه عامل وراثت، محیط و اراده در شکل‌گیری شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup> با بهره‌گیری از روایات تبیین می‌گردد.

### ۱-۲- نقش وراثت در شکل‌گیری شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup>

برخی از نظریه‌پردازان برای وراثت گونه‌های متفاوتی را قائل شدند: وراثت جسمانی، عقلانی و اخلاقی. منظور از وراثت جسمانی ویژگی‌هایی است مانند گروه خون، شکل، قد، رنگ پوست، چشم که با جسم پیوستگی دارد. دانشمندان طی سلسله پژوهش‌هایی به این نتیجه رسیده‌اند که این موارد تا حد بسیار وسیعی تحت تأثیر عوامل وراثتی (ژن‌ها) قرار دارند (یزدی صمدی و سید طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۵۱۵-۵۲۳).

یکی از وجوه معنایی سخن معروف پیامبر<sup>(ص)</sup>، «حُسَيْنٌ مِثِّي» (ابن‌قولویه، ۱۳۵۶، ص ۵۲)، آن است که امام حسین<sup>(ع)</sup> ویژگی‌های جسمی، عقلی و روحی را از جد خود، پیامبر<sup>(ص)</sup> به ارث برده است؛ زیرا گوشت آن حضرت از گوشت و خون رسول خدا روید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶۵). طبیعی است که ویژگی‌های جسمانی امام حسین<sup>(ع)</sup> به جدش و البته به پدر و مادر و حتی اجدادش شباهت داشته باشد. بر اساس روایات، آن حضرت در ظاهر شباهت بسیاری به والدین و جد خویش حضرت رسول<sup>(ص)</sup> داشت. در توصیف سیمای ایشان و امام حسن<sup>(ع)</sup> آورده‌اند که آنان به پدر و جد خویش پیامبر<sup>(ص)</sup> شباهت داشته‌اند (ابن‌حیون، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۹۷). گفته شده است، حسن<sup>(ع)</sup> از سر تا سینه و حسین<sup>(ع)</sup> از سینه تا پاها شبیه پیامبر<sup>(ص)</sup> بوده‌اند (مفید، بی‌تا ج ۲، ص ۲۷)؛ همچنین از امام علی<sup>(ع)</sup> نقل شده است که گردن تا صورت امام حسن<sup>(ع)</sup>، شبیه‌تر از همه به پیامبر<sup>(ص)</sup> بود و اندام و رنگ امام حسین<sup>(ع)</sup> از گردن تا پاشنه‌ی پا، شبیه‌تر از همه به پیامبر<sup>(ص)</sup> است (طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۹۵). در حدیثی، امام حسن<sup>(ع)</sup> برادرشان، امام حسین<sup>(ع)</sup> را شبیه‌ترین مردم به حضرت زهرا<sup>(س)</sup> دانسته است (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲). دامنه‌ی شباهت جسمی حسنین<sup>(ع)</sup> تا حضرت موسی<sup>(ع)</sup> نیز بیان شده است. نقل است که از سر تا ناف حسن<sup>(ع)</sup> و از ناف تا انگشت پای حسین<sup>(ع)</sup> شبیه‌تر از دیگران به موسی‌بن‌عمران<sup>(ع)</sup> بوده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸۶، ص ۲۳۳).

وراثت عقلی به این مسئله تکیه دارد که ژن‌هایی که هر فرد از والدین خود به ارث می‌برد، نقش مهمی را در رشد هوش و ضریب هوشی فرد ایفا می‌کند (مصباح و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۵۰). امام حسین<sup>(ع)</sup> به گواهی تاریخ، وارث ذکاوت پدر و جد خویش بوده است. امام<sup>(ع)</sup> همواره در مقاطع گوناگون نشان داده که هوش ویژه‌ی خانوادگی را به ارث برده است. این حقیقت حتی از زبان دشمنان آن حضرت نیز بیان شده است؛ برای نمونه، در جنگ صفین، عبیدالله‌بن عمر بن خطاب از سوی معاویه مأمور فریفتن امام حسین<sup>(ع)</sup> شد؛ بنابراین، نزد آن حضرت آمد و امام علی<sup>(ع)</sup> را مسبب جنگ‌افروزی و به قتل رسیدن عثمان دانست و پیشنهاد خلافت مسلمانان را به امام حسین<sup>(ع)</sup> داد. حضرت دست رد بر سینه‌ی او زد و نیرنگش را آشکار ساخت. عبیدالله‌بن‌عمر بازگشت و به معاویه گفت: خواستم حسین<sup>(ع)</sup> را فریب دهم؛ اما ناکام ماندم. معاویه پاسخ داد: حسین<sup>(ع)</sup> فرزند علی<sup>(ع)</sup>



جستجو در سیره‌ی امام حسین<sup>(ع)</sup> نیز نشان می‌دهد که در شخصیت ایشان صفات والدین، جد و اجدادشان متجلی است. شجاعت، ظلم‌ستیزی، صبر، مقاومت، آزادگی و ایثار، همگی از بارزترین صفات شخصیتی امام حسین<sup>(ع)</sup> است که می‌توان آن‌ها را در سیره‌ی پیامبر<sup>(ص)</sup>، امام علی<sup>(ع)</sup> و حضرت فاطمه<sup>(ص)</sup> یافت، چنان‌که امام حسین<sup>(ع)</sup> در یکی از خطابه‌هایی که روز عاشورا مقابل یزیدیان خواند، فرمودند: «(یزید) مرا میان جنگ و ذلت مخیر ساخت. ذلت از ما دور است. خدا، رسولش، مؤمنان و دامن‌های پاکیزه و مطهر (که ما را متولد کرده‌اند) شایسته‌ی ما ندانسته‌اند» (ابن‌طاووس، بی‌تا، ص ۹۷، ص ۲۴۱). ابن‌ابی‌الحدید او را پیشوای انسان‌های ستم‌ستیز معرفی می‌کند. کسی که زیر شمشیرهای ستم به انسان‌ها ظلم‌ناپذیری و مرگ را آموخت. هنگامی که او و یارانش میان تسلیم همراه با خواری و مرگ مخیر شدند، مرگ را برگزیدند (ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۴۹). این سیرت را امام علی<sup>(ع)</sup> در مضاف صفین با قاسطان و امام حسین<sup>(ع)</sup> در حادثه‌ی عاشورا با یزیدیان داشتند، سید رضی در خطبه‌ی ۵۱ نهج‌البلاغه نقل می‌کند که چون یاران معاویه در صفین، شریعه‌ی فرات را تصرف کردند، امام علی<sup>(ع)</sup> در تهییج اصحابش فرمود: «قَالَمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ وَ الْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۸۸-۸۹): مرگ آن است که زنده باشید و مغلوب شوید و زندگی آن است که مرده باشید و غالب آید». امام حسین<sup>(ع)</sup> در روز عاشورا در برابر یزیدیان، مشابه سخن پدرشان را بیان فرمودند: «مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ، الْمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَ الْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۴۸): مرگ باعزت بهتر از زندگی باذلت است؛ مرگ بهتر از ننگ است و ننگ بهتر از داخل شدن در آتش جهنم است».

## ۲-۲- نقش محیط در شکل‌گیری شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup>

ارتباط و تعامل فرد با محیط، بازخوردها و تأثیرات محیط می‌توانند نقش بسزایی در رشد شخصیت فرد داشته باشند. وراثت نقش عمده‌ای در شکل‌گیری شخصیت انسان دارد؛ اما محیط نیز تأثیر عمیقی در بروز ویژگی‌های ارثی ایفا می‌کند. چنان‌که گذشت، محیط شامل پیش از تولد و پس از تولد است و محیط‌های پس از تولد شامل محیط‌های طبیعی و اجتماعی هستند. بر پایه‌ی این تقسیم‌بندی، نقش محیط در شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup> تبیین می‌گردد.

### ۲-۲-۱- نقش محیط پیش از تولد

محیط پیش از تولد، محیط درون‌رحمی است و جنین درون‌رحمی تحت تأثیر عوامل رشدی همچون اکسیژن، مواد غذایی، حرارت و همچنین حالات روانی مادر قرار می‌گیرد و جنین قابلیت تأثیر چندانی بر محیط ندارد. مهم‌ترین ابزار شناخت و کانال‌های ارتباطی دنیای درون آدمی با محیط بیرون، حواس او، به‌ویژه چشم و گوش هستند. حس شنوایی مهم‌ترین عامل یادگیری پیش تولد به‌شمار می‌آید. این حس به‌اندازه‌ی نیرومند عمل می‌کند که این امکان را برای جنین فراهم می‌آورد تا در همان دوران بیاموزد و بعدها به یاد آورد، چنان‌که شنیدن صدای مادر در دوران جنینی و تشخیص این صدا از اصوات دیگر از سوی نوزاد نشان‌دهنده‌ی صحت این قضیه است

(اتکینسون، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۰۶-۱۰۷).

آگاهی حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> از به شهادت رسیدن امام حسین<sup>(ع)</sup> در ایام بارداری آن حضرت را می‌توان از روایات مربوط به محیط پیش از تولد دانست. در این دوران جبرئیل بر پیامبر<sup>(ص)</sup> فرود می‌آید و شهادت امام حسین<sup>(ع)</sup> و قرار گرفتن امامت، ولایت و وصایت در فرزندان امام<sup>(ع)</sup> را به اطلاع پیامبر<sup>(ص)</sup> می‌رساند و ایشان نیز حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> را می‌آگاهاند. مسئله‌ی شهادت امام<sup>(ع)</sup> آن حضرت را آزرده می‌کند. درعین حال، سر تسلیم بر مشیت الهی فرود می‌آورد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶۴-۴۶۶؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۵۶)؛ زیرا باید فرزندی را به دنیا می‌آورد که تا روز قیامت، از نسل او کسانی عهده‌دار رهبری و هدایت مردمان زمین باشند. در جوامع روایی و کتب تاریخی، مشخصاً روایاتی برای رفتارهای حضرت زهرا<sup>(س)</sup> در این ایام وجود ندارد؛ اما روشن است که آگاهی از حمل چنین نوزاد گران‌قدری - که او و فرزندانش آینده بشریت را رقم خواهند زد- توجه و مراقبت‌های جسمانی و روحانی ویژه‌ای اقتضا می‌کرد که بی‌گمان حضرت زهرا<sup>(س)</sup> بدان‌ها پایبند بوده است.

## ۲-۲-۲- نقش محیط پس از تولد در شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup>

تأثیرپذیری از محیط اطراف تنها در دوران کودکی اتفاق نمی‌افتد، شخصیت افراد در دوره‌های گوناگون برحسب موقعیت و محیطی که در آن قرار دارند شکل خواهد گرفت. از این رو ضروری است در تبیین شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup> از عوامل محیطی در دو بخش محیط طبیعی و محیط اجتماعی سخن گفته شود.

### ۲-۲-۲-۱- محیط طبیعی

محیط طبیعی یا زیستی مربوط به شرایط جغرافیایی، آب‌وهوا و منابع غذایی است که هرکدام از آن‌ها می‌توانند بر شخصیت افراد تأثیر بگذارند. افراد برحسب اینکه در کدام‌یک از مناطق کره‌ی زمین اعم از مناطق گرمسیری، سردسیری یا معتدل، دشت، کوه‌پایه و یا شهر زندگی کنند؛ هریک رنگ، شکل بدن و ویژگی‌های خلقی-روانی خاصی دارند. امام حسین<sup>(ع)</sup> در حجاز یکی از سرزمین‌های شبه‌جزیره‌ی عربستان چشم به جهان گشود. این سرزمین دشت‌های پهناور و بیابان‌های بی‌آب‌و‌علف و جوی گرم داشت که در صنعت کشاورزی، محصولات تجاری و در عرصه‌ی صنعت تقریباً حرفی برای گفتن نداشت و غالباً لشکرگشایان چشم طمع به این سرزمین نداشتند. مردم مناطق گرمسیر نسبت به مناطق سردسیر یا معتدل، روحیه‌ی انگیزشی بالاتری دارند. این موضوع به این علت است که تهدیدکننده‌هایی برای بقای افراد در محیط‌های گرم وجود دارند که محلی برای انگیزش بیشتر در افراد است (مارشال ریو، ۱۳۹۷، ص ۱۶).

ویژگی‌های جغرافیایی، آب‌وهوایی و غذایی حجاز انسان‌هایی کاملاً ناهمگون را در دامان خود پرورانده است؛ از دیوسیرتانی چون معاویه، یزید و عمر بن سعد تا فرشته‌خویانی چون علی بن ابی‌طالب<sup>(ع)</sup>، حسین بن علی<sup>(ع)</sup> و عباس بن علی<sup>(ع)</sup>؛ بنابراین، با این کلیت نمی‌توان از نقش محیط طبیعی در شکل‌گیری شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup> سخن گفت و باید در جستجوی گزارش‌هایی

بود که به‌طور مشخص به این موضوع اشاره کرده‌اند. بررسی روایات نشان می‌دهد که گزارش‌های متنوعی درباره‌ی تغذیه امام<sup>(ع)</sup> در دوران نوزادی وجود دارد که جملگی بر تغذیه‌ی اعجاز‌گونه‌ی ایشان رهنمون هستند. نقل است که حسین<sup>(ع)</sup> از فاطمه<sup>(ص)</sup> و هیچ زن دیگری شیر نخورد. پیامبر<sup>(ص)</sup> نزد ایشان می‌آمد و انگشت ابهام در دهان می‌نهاد و حسین<sup>(ع)</sup> به‌اندازه‌ی نیاز غذایی دوسه‌روزه خود می‌مکید و گوشت آن حضرت از گوشت و خون رسول خدا روید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶۵). از صفیه، عمه پیامبر<sup>(ص)</sup>، نقل شده است که چون حسین<sup>(ع)</sup> به دنیا آمد، خدمت پیامبر<sup>(ص)</sup> آورد. حضرت زبانش را در دهان حسین<sup>(ع)</sup> گذاشت و او می‌مکید و رسول خدا تنها شیر و عسل به او می‌داد (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۱۳۶). از بَرّه دختر اُمیّه خُرَاعی نیز تغذیه‌ی حسین<sup>(ع)</sup> از دهان رسول خدا نقل شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۵۰). تغذیه‌ی متمایز و اعجاز‌گونه‌ی امام حسین<sup>(ع)</sup> قدر مشترک روایات است که مشابه آن حتی برای امام حسن<sup>(ع)</sup> نیز روایت نشده است. بی‌شک چنین تغذیه‌ای در رشد و شکل‌گیری شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup> نقش مهمی داشته است.

## ۲-۲-۲-۲- محیط اجتماعی

محیط اجتماعی مؤثر در شناخت شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup> شامل محیط خانواده، همسالان و دوستان و فرهنگ و تعلیم و تربیت هستند که به‌تفکیک هریک از آن‌ها تبیین می‌شود.

## الف. محیط خانواده

روان‌شناسان تأثیر تربیت خانوادگی بر کودک، به‌ویژه در دوران اولیه‌ی زندگی انسان را بسیار ملموس‌تر می‌دانند (کریمی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۴). امام حسین<sup>(ع)</sup> در خانواده‌ای رشد کرد که آراسته به همه‌ی مکارم اخلاقی و فضائل بودند و زیر آسمان خانواده‌ای به مرتبت و پاکیزگی آنان نمی‌رسید (قرشی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۷). در این خانواده سه عضو پیامبر<sup>(ص)</sup>، امام علی<sup>(ع)</sup> و حضرت زهرا<sup>(ص)</sup> در تکوین شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup> مؤثر بوده‌اند.

## نقش تربیتی پیامبر<sup>(ص)</sup>

امام حسین<sup>(ع)</sup> در سال چهارم هجرت زاده شد (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۷). شش سال و چند ماه از دوران زندگی امام<sup>(ع)</sup> در حیات پیامبر<sup>(ص)</sup> بوده است (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۰). روایات نشان می‌دهد پیامبر<sup>(ص)</sup> علاقه‌ی وافری به آن حضرت داشته است و از آغازین روز تولد، به بهترین شکل ممکن، تحت تربیت خویش قرار داد. این تربیت با قرائت اذان و اقامه بر گوش‌های این نوزاد شروع شد. هنگامی که امام حسین<sup>(ع)</sup> به دنیا آمد، پیامبر<sup>(ص)</sup> ایشان را در پارچه‌ای سفید در آغوش گرفت و اذان را در گوش راست و اقامه را در گوش چپ قرائت فرمود (علی‌بن موسی<sup>(ع)</sup>، ۱۴۰۶، ص ۷۳).

نام‌گذاری دومین اقدام تربیتی بود که صورت پذیرفت. انتخاب نام نیک اولین هدیه و احسان پدر به فرزندش است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۳۸۹). هنگامی که امام حسین<sup>(ع)</sup> متولد شد، جبرئیل<sup>(ع)</sup> به فرمان خداوند به حضور پیامبر<sup>(ص)</sup> فرود آمد و پس از تبریک

فرمود: علی<sup>(ع)</sup> برای تو به منزله‌ی هارون<sup>(ع)</sup> برای موسی<sup>(ع)</sup> است و او را «شَیْبِر» - فرزند هارون<sup>(ع)</sup> - که عربی آن «حسین» است، نام‌گذاری کن (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۲۳۶). گفته شده است که نام‌گذاری در هفتمین روز تولد ایشان بوده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۳).

نوزاد چون چشمش را به هفتمین روز حیاتش گشود، مستحب است او را نام گذارند و برای او عقیقه (قربانی) کنند و بازو و ران حیوان را به قابله دهند و موهایش را بتراشند و هم‌وزن آن طلا یا نقره صدقه دهند (همان، ص ۲۸). پیامبر<sup>(ص)</sup> در هفتمین روز تولد امام حسین<sup>(ع)</sup>، موی سر نوزاد را تراشید و هم‌وزن مو نقره صدقه دادند و گوسفندی را ذبح کردند و بخشی از قربانی را به قابله‌اش «اُمّ‌اَیْمَن» دادند (همان، ص ۳۳).

پیامبر<sup>(ص)</sup> کانون خانواده را آکنده از محبت کرده بود و پیوسته حسن<sup>(ع)</sup> و حسین<sup>(ع)</sup> را می‌بوسید (ابن‌قولویه، ۱۳۵۶، ص ۵۱) و چون هنگام نماز به سجده می‌رفت، آن دو بر پشتش سوار می‌شدند و مانع از این می‌شد فرودشان بیاورند و پس از نماز آنان را در آغوش می‌کشید (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۸۴). در نوبتی شخصی چون این صحنه را دید، به پیامبر<sup>(ص)</sup> گفت: تاکنون کودکی را نبوسیده‌ام. هنگامی که رفت، فرمود: این شخص اهل جهنم است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۰).

حسین<sup>(ع)</sup> تحت تعالیم دینی و قرآنی مستقیم پیامبر<sup>(ص)</sup> قرار داشت. ایشان سوره‌ی توحید و نمازهای پنج‌گانه را به نوه‌اش آموخت و به او سخنان حکیمانه یاد داد؛ از جمله این سخن، «خداوند امور برجسته را دوست می‌دارد و امور پست را ناخوش می‌دارد» (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۴۶). یک‌بار پس از نزول آیه‌ی «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ» (انفال: ۷۵)، حسین<sup>(ع)</sup> تأویل آیه را از پیامبر<sup>(ص)</sup> سؤال می‌کند و حضرت آگاه می‌سازد (نک: خزاز رازی، ۱۴۰۱، ص ۱۷۵-۱۷۶). رسول خدا به روایات کودکانه‌ی نوادگانش توجه داشت و حسن<sup>(ع)</sup> و حسین<sup>(ع)</sup> را به کشتی با یکدیگر تشویق و تهییج می‌کرد (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۴۴۴-۴۴۵) و گاه آنان را روی دوش خود سواری می‌داد و می‌فرمود: «چه مرکب خوبی شما دو نفر دارید و شما چه راکبان خوبی هستید» (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۸۷) و گاه در کوچه و در جمع اصحاب، با حسین<sup>(ع)</sup> بازی می‌کرد و در پی او این‌سو و آن‌سو می‌دوید و حسین<sup>(ع)</sup> را می‌گرفت و لبانش را می‌بوسید (ابن‌قولویه، ۱۳۵۶، ص ۵۲-۵۳).

### نقش تربیتی امام علی<sup>(ع)</sup>

در کنار پیامبر<sup>(ص)</sup>، امام علی<sup>(ع)</sup> در تربیت فرزندش کوشا بوده و بیشترین نقش تربیتی را بر عهده داشته است؛ زیرا پس از وفات پیامبر<sup>(ص)</sup>، سی سال و چند ماه از عمرش را با امام علی<sup>(ع)</sup> گذارده است (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۰). درباره‌ی ارتباط تربیتی (مربی و متربی) آن دو بزرگوار گزارش‌هایی وجود دارد که به نمونه‌هایی بسنده می‌شود: الف. امام علی<sup>(ع)</sup> به فرزندش در سخن بلندی، توصیه‌های متعدد اخلاق فردی و اجتماعی کرده است (نک: حرانی، ۱۳۶۳، ص ۸۸-۹۱)؛ ب. فرزندش را از جایگاه مهمی که دارد، آگاه می‌سازد و او را الگوی بشریت خطاب می‌کند (ابن‌قولویه، ۱۳۵۶، ص ۷۲)؛ ج. از فرزندش می‌خواهد بر منبر برود و برای مردم خطبه بخواند. حضرت در خطبه‌ای، از حقانیت پدرش در خلافت دفاع می‌کند. امام علی<sup>(ع)</sup> ایشان را در آغوش می‌کشد و می‌بوسد

(صدوق، ۱۳۶۲، ص ۳۴۵)؛ د. فرزندش را فرماندهی جنگی برمی‌گزیند و با ده هزار نفر روانه‌ی پیکار می‌کند (صبحی صالح، بی‌تا، ص ۲۶۶)؛ هـ رفتارهای اخلاقی را با پرسش و پاسخ می‌آموزاند. در نوبتی می‌پرسد: «فرزندم! حلم چیست؟» امام حسین<sup>(ع)</sup> پاسخ می‌دهد: «فرو خوردن خشم و تسلط بر نفس» (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۶)؛ و. به او سفارش می‌کند دعای جوشن کبیر را حفظ نماید و بدان اهمیت فراوان دهد، بر کفنش بنویسد و به خانواده‌اش تعلیم دهد (ابن طاووس، ۱۴۱۱، ص ۲۳۱).

### نقش تربیتی حضرت زهرا<sup>(س)</sup>

حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> از دوران بارداری، از اهمیت جنین خود آگاه بود و بی‌گمان نقش بسزایی در شکل‌گیری شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup> داشته است. آن حضرت برای بهبودی بیماری حسن<sup>(ع)</sup> و حسین<sup>(ع)</sup>، به همراه سایر اعضای خانواده سه روز روزه می‌گیرد و در برابر دیدگان فرزندان، افطار هر سه روز در راه خدا انفاق می‌کند (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۲۵۷-۲۶۲). هنگامی که حسن<sup>(ع)</sup> و حسین<sup>(ع)</sup> کشتی می‌گرفتند، دید که پیامبر<sup>(ص)</sup> حسن<sup>(ع)</sup> را تشویق می‌کند، عاطفه و محبت مادری‌اش به هیجان آمد و فرمود: «پدر جان! چرا بزرگ‌تر را تشویق می‌کنی؟» پیامبر<sup>(ص)</sup> فرمودند: «حسن<sup>(ع)</sup> را حبیبم جبرئیل<sup>(ع)</sup> تشویق می‌کند» (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۴۴۵-۴۴۶). حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> به تربیت عبادی فرزندان توجه شایانی داشت، چنان‌که در شب بیست‌وسوم ماه رمضان (شب قدر) برای محروم نماندن از برکات فراوان این شب، به آنان غذای اندکی می‌داد تا خواب چشمانشان را نریاید و هنگام خواب آلودگی نیز، آب بر صورتشان می‌پاشید تا بیدار بمانند (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸۲).

### ب. همسالان و دوستان

کودک در دو جهان زندگی می‌کند؛ نخست، جهان والدین و سایر بزرگسالان و دوم، جهان همسالان و دوستان (هنری ماسن و همکاران، ۱۳۶۸، ص ۵۰۷). پس از آنکه امام حسین<sup>(ع)</sup> دوره‌ی نوزادی و کودکی اولیه را گذراند و روابط اجتماعی او از محدوده‌ی والدین به دیگر اعضای خانواده فراتر رفت، نقش همسالان وی به‌عنوان عامل دیگری در شکل‌گیری شخصیتشان قابل‌تحلیل است. اگرچه روایاتی مبنی بر بازی امام حسین<sup>(ع)</sup> با کودکان وجود دارد (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۵۲-۵۳)؛ اما حقیقت آن است که به علت فضای فکری، فرهنگی و رفتاری نامساعد حاکم بر آن زمان، همسالان و دوستانی که در تراز اثرگذاری بر آن حضرت باشند، وجود نداشت، مگر برادر آن حضرت، امام حسن<sup>(ع)</sup> که از ایشان یک سال بزرگ‌تر بود (مفید، بی‌تا، ج ۲، ص ۵)، در غالب گزارش‌های مرتبط با اثرگذاری تربیتی پیامبر<sup>(ص)</sup>، امام علی<sup>(ع)</sup> و حضرت فاطمه<sup>(س)</sup>، امام حسین<sup>(ع)</sup> همراه برادرش بوده است و هر دو برادر تحت توجه و تربیت ویژه‌ی خانواده قرار داشتند و می‌توان چهارمین شخص اثرگذار در تربیت امام حسین<sup>(ع)</sup> را برادر، هم‌سال و همراهش، امام حسن<sup>(ع)</sup> دانست، چنان‌که امام علی<sup>(ع)</sup> در آخرین شب زندگی‌اش به امام حسین<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: تو شریک حسن<sup>(ع)</sup> در اجرای وصیت هستی. در برابر او سکوت پیشه کن و پیرو امر برادرت باش و پس از رحلتش، تو ناطق و امام هستی (عاملی نباطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۰). امام حسین<sup>(ع)</sup> به نشانه‌ی تکریم امام حسن<sup>(ع)</sup>، هیچ‌گاه نزد

ایشان به سخن نیامد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۴۰۱). ایشان امام حسن<sup>(ع)</sup> را «سیدی» خطاب می‌کرد و حتی مراقبت داشت در میزان انفاق به نیازمندان، از برادر بزرگ‌تر و امام خویش پیشی نگیرد (ابن‌ابی‌الدنیا، بی‌تا، ص ۱۳۴-۱۳۵). این رفتارها بیان‌گر جایگاه اثرگذار امام حسن<sup>(ع)</sup> بر برادر خویش است. پس از شهادت امام علی<sup>(ع)</sup>، امام حسن<sup>(ع)</sup> از سال ۴۰ تا ۵۰ هجری، امامت مسلمانان را عهده‌دار بود (مفید، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵)؛ بنابراین، ده سال از زندگی امام حسین<sup>(ع)</sup> تحت ولایت و زعامت برادرش قرار داشت (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۰).

### ج. فرهنگ و تعلیم و تربیت

امام حسین<sup>(ع)</sup> در جامعه‌ای می‌زیست که تا پیش بعثت پیامبر اسلام، کاملاً بدوی و به‌دوراز فرهنگ و تمدن بود. امام علی<sup>(ع)</sup> در وصف آن دوران می‌فرماید: خداوند محمد<sup>(ص)</sup> را تبلیغ‌کننده بر عالمیان و امین برای فرستادن قرآن و رسالت مبعوث کرد. در آن حال، شما گروه عرب بدترین دین را داشتید و در بدترین جامعه زندگی می‌کردید. در میان سنگ‌های سخت و مارهای ناشنوا سکنی داشتید، آب‌های تیره می‌آشامیدید و غذای خشن می‌خوردید و خون‌های یکدیگر را می‌ریختید و با خویشاوندان خود قطع رابطه می‌کردید، بت‌ها در میان شما [برای پرستش] نصب‌شده و گناهان و انحراف‌ها سخت به شما بسته بود (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۶۸).

با ظهور اسلام، پیامبر<sup>(ص)</sup> کوشش فراوانی برای زدودن فرهنگ جاهلیت داشت. با وجود این، اصلاح فرهنگ به زمان طولانی نیاز دارد و تا سالیانی متمادی، برخی آداب و رسوم جاهلیت بر فرهنگ اسلامی چیرگی داشت. به‌طورکلی نمی‌توان برای فرهنگ جاهلیت در شکل‌گیری شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup> سهمی متصور شد، چنان‌که در زیارت اربعین و وارث واردشده است: «لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۱۴؛ طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۷۲۱)؛ ناپاکی‌های دوران جاهلیت تو را نیالودند و آلودگی‌ها جامعه‌ی خود را بر تو نپوشاندند. «نه‌تنها اثرپذیری از فرهنگ جاهلیت وجود نداشت، بلکه اساساً خانواده‌ی آن حضرت و خود ایشان رسالت تغییر فرهنگ ناراست و ارزش‌های ضدانسانی و الهی را -که بر جامعه‌ی آن روز سیطره داشت- عهده‌دار بودند.

### ۲-۳- نقش اراده در شکل‌گیری شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup>

وراثت و محیط نقش مهمی در تکوین شخصیت انسان دارند؛ اما این اراده و انتخاب و تلاش انسان‌ها است که شخصیت آنان را شکل می‌دهد و ثواب و عقاب نیز بر همین اساس است: «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»<sup>(۱)</sup> «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹-۴۰). فرزند امام هادی<sup>(ع)</sup>، برادر امام حسن عسکری<sup>(ع)</sup> و عموی امام عصر (عج)، جعفر کذاب نامیده شد؛ زیرا به خداوند افترا بست، به دروغ ادعای امامت داشت، با پدرش مخالفت کرد و به برادرش حسادت ورزید (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۱۹).

۱- در زیارت وارث، جمله‌ی دوم با اندکی تفاوت نسبت به زیارت اربعین، بدین صورت نقل شده است: «لَمْ تُلْبَسْكَ مِنْ مُدْلَهَمَاتِ ثِيَابِهَا».

همسر فرعون در محیط سراسر کفر، چنان بندگی الهی به جای می‌آورد که خداوند او را الگویی برای مؤمنان شناساند: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ...» (تحریم: ۱۱).

سیره‌ی امام حسین<sup>(ع)</sup> از همان دوران کودکی نشان می‌دهد که وراثت و محیط تنها نقش بسترسازی را ایفا کرده است و این اراده، انتخاب و کوشش حضرت بوده است که اثرگذاری وراثت و محیط را در شکل‌گیری شخصیت الهی آن حضرت موجب شده است؛ بنابراین، گاهی از آن حضرت رفتاری خلاف آنچه محیط اقتضا کرده، صادر شده است. روایت شده که امام حسن<sup>(ع)</sup> و امام حسین<sup>(ع)</sup>، با لنگ داخل رودخانه بودند. شخصی به آنان گفت: ای فرزندان رسول خدا! دو لنگ را تباہ کردید (شما چون کودک هستید نیاز به لنگ ندارید). آن دو بزرگوار فرمودند: تباہی لنگ بهتر از تباہی دین است. بدان که آب مانند زمین ساکنانی دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۹۰).

سراسر زندگی امام حسین<sup>(ع)</sup> نشان‌دهنده‌ی نقش مهم اراده در شکل‌گیری شخصیت آن حضرت است؛ برای نمونه، به مواردی اشاره می‌شود: امام<sup>(ع)</sup> ۲۵ بار با پای پیاده حج رفت (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۶۹). به قدری برای بیهوشی و فقیرها غذا برد که آثار انبان‌ها بر دوش حضرت باقی‌مانده بود (همان، ص ۶۶). یک‌بار حضرت هنگام عبور فقیرانی را دید که سفره پهن کرده‌اند. ایشان را دعوت کردند. امام<sup>(ع)</sup> نشست و با آنان غذا خورد و این آیه را تلاوت فرمود: «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ» (النحل: ۲۳)؛ سپس به فقرا فرمود: شما نیز باید میهمان من شوید. وقتی به منزل رسیدند، حضرت از همسرش خواست هرچه در منزل هست بیاورد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۵۷). در شبانه‌روز هزار رکعت نماز به جای می‌آورد (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۴۷). هنگامی که عبدالله بن زبیر از شهادت آن حضرت آگاه شد، گفت: «به خدا سوگند! او را در حالی به شهادت رساندند که شب‌ها فراوان شب‌زنده‌داری داشت و روزها فراوان روزه می‌گرفت» (بلاذری، ۱۹۵۹، ج ۵، ص ۳۰۴).

واپسین دوران زندگی آن حضرت، از خودداری در بیعت با یزید تا شهادت ایشان، تجلی حقیقی قدرت اراده‌ی انسانی خودساخته است. این مقطع از زندگی امام حسین<sup>(ع)</sup> با مرگ معاویه در سال ۶۰ هجری و خلافت یزید بر مسلمانان آغاز شد (طبری، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۳۳-۲۳۳). یزید به ولید بن عتبّه والی‌اش در مدینه نوشت که از امام حسین<sup>(ع)</sup> و عبدالله بن زبیر بیعت بستاند و اگر امتناع کردند، گردنشان را بزنند و برایش بفرستد (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۴۱). عبدالله بن زبیر نزد والی حاضر نمی‌شود و شبانه به مکه می‌گریزد (مفید، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴)؛ اما امام<sup>(ع)</sup> نزد او می‌رود و در پاسخ به بیعت با یزید و تهدید او می‌فرماید: ما اهل بیت پیامبر<sup>(ص)</sup> معدن رسالت و محل رفت‌وآمد فرشتگان هستیم. یزید مردی فاسق، فاجر، شراب‌خوار و قاتل انسان‌های بی‌گناه است و انسانی چون من با انسانی چون یزید بیعت نمی‌کند. صبر می‌کنیم تا روشن شود کدام‌یک از ما سزاوارتر به خلافت و بیعت است. آنگاه امام<sup>(ع)</sup> خارج شد (ابن طووس، ۱۳۴۸، ص ۲۳). اراده و انتخاب امام<sup>(ع)</sup> در این روایت کاملاً نمایان است. امام حسن<sup>(ع)</sup> در سال ۴۱ هجری بر اساس مصالحی، ناچار به پذیرش صلح‌نامه‌ای شد که بر اساس آن، حکومت به معاویه واگذار گردید (مفید، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳-۱۴) امام حسین<sup>(ع)</sup> پس از شهادت امام حسن<sup>(ع)</sup>، امامت امت اسلام را به مدت ده سال به عهده داشت (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۰). آن حضرت پس از شهادت برادر، به صلح‌نامه وفادار ماند؛

اما هنگامی که یزید از ایشان با تهدید بیعت خواست، حضرت شخصیتی چون خویش را حاضر به بیعت با یزید نمی‌دانست. اگر ایشان متأثر از جبر محیط می‌بود و قدرت اراده و انتخاب نداشت، باید به ناچار با یزید بیعت می‌کرد.

امام حسین<sup>(ع)</sup> از مدینه برای حج به مکه می‌رود و پس از اندکی درنگ در مکه ناچار می‌شود به سوی کوفه روانه شود. پیش از حرکت در جمع یارانش سخن می‌گوید و از جمله می‌فرماید: مرگ چون گردن‌آویز دختران همواره با انسان است. گویا می‌بینم گرگان بیابان بدنم را قطعه‌قطعه می‌کنند. رضایت خداوند رضایت ما اهل‌بیت<sup>(ع)</sup> است بر امتحان الهی صبر می‌کنیم. هرکس حاضر است جانش را در راه ما فدا کند و خود را آماده‌ی دیدار با خداوند کند، با ما بیاید. اگر خدا بخواهد، من فردا حرکت خواهم کرد (ابن‌طاووس، ۱۳۴۸، ص ۶۰-۶۱). این خطابه گویای نقش اراده در تکوین شخصیت امام<sup>(ع)</sup> است. حضرت مسیر رسیدن به کمال انسانی را دستیابی به رضای الهی عنوان می‌کند و این هدف را در پرتوی شهادت خود می‌داند و از کسانی که خواهان چنین کمالی هستند، می‌خواهد با او همراه شوند. این انتخاب آگاهانه و اراده‌ی استوار تا آخرین لحظه‌ی زندگی همراه ایشان بود، آن‌چنان‌که وقتی عزم حرکت به کوفه می‌کند، افراد متعددی تلاش دارند که حضرت را منصرف سازند. عبدالله بن عباس، عبدالله بن مطیع، عبدالله بن عمر، ابن‌عیاش، أبوسعید خدری، أبوواقد لیثی، جابر بن عبدالله، سعید بن مسیب، أبوسلمة بن عبد الرحمن، مسور بن مخرمه، عمره بنت عبد الرحمن، أبوبکر بن عبد الرحمن، عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب و عمرو بن سعید بن العاص، هریک با استدلالی تلاش کردند که امام<sup>(ع)</sup> را از عزمیت به عراق منصرف کنند؛ اما حضرت ادله‌ی آنان را نپذیرفت (نک: ابن‌سعد، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۴۳).

گفتنی است که حرکت امام<sup>(ع)</sup> به سوی کوفه و در واقع به سوی قتلگاهش، سرزمین کربلا، در چشم‌انداز رابطه‌ی طولی و در قوس صعود برای ملاقات با خداوند و کسب رضای الهی بوده است؛ اما از نظرگاه رابطه‌ی عرضی و در قوس نزول به‌عنوان یک پیشوای اسلامی، برای هدایت مردم و اصلاح آسیب‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی‌ای است که جامعه‌ی اسلامی با آن‌ها مواجه بوده است. چنان‌که در وصیتش به برادرش محمد حنفیه یا در پاسخ به ابن‌عباس، هنگامی که ابن‌عباس از ایشان می‌خواهد به کوفه نرود، فرموده است: «من برای سرمستی، تکبر، فساد و ظلم به کوفه نمی‌روم، بلکه در پی اصلاح امت جدم خارج می‌شوم و می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و بر اساس سیره‌ی پدرم و جدم رفتار نمایم» (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۸۸۹).

امام حسین<sup>(ع)</sup> در مسیر رسیدن به هدف خود که جلوه‌ای از آن تکوین شخصیت حضرتش بود، از چنان آگاهی، انتخاب و قدرت اراده‌ای برخوردار بود که وقتی جنیان از ایشان می‌خواهند که اجازه دهد همه‌ی دشمنان حضرت را به قتل رسانند، نمی‌پذیرد و می‌فرماید: ما (در بهره‌گیری از اسباب غیرعادی برای مقابله با دشمنان) از شما قدرتمندتر هستیم؛ اما می‌خواهیم (به این آیه‌ی قرآن عمل شود): «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتَةٍ وَ يَحْيَىٰ مَن حَيَّ عَن بَيْتَةٍ» (أنفال: ۴۲) (ابن‌طاووس، ۱۳۴۸، ص ۶۶-۶۸).

از مهم‌ترین نشانه‌های اراده و آزاداندیشی در شکل‌گیری شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup>، تجلی این ویژگی‌ها در شخصیت خویشان و یارانی است که سالیانی با سیره‌ی آن حضرت تربیت شدند و

به‌وسیله‌ی امام<sup>(ع)</sup> در آخرین لحظات راستی‌آزمایی گردیدند. در شب عاشورا، آن حضرت از خویشان و اندک یارانی که با حضرت باقی ماندند، می‌خواهد که از تاریکی شب بهره‌گیرند و با خانواده‌شان بگریزند؛ چون دشمنان خواهان اویند. همگی بر یاری آن حضرت پافشاری کردند (همان، ۹۰-۹۱). هلال‌بن نافع از جمله یاران امام<sup>(ع)</sup> است که به حضرت عرضه می‌دارد: «به خداوند سوگند! از دیدار پروردگاران ناخشنود نیستیم و با اراده و آگاهی دوست می‌داریم، آن‌که دوست می‌داری و دشمن می‌داریم، آن‌که را دشمن می‌داری.» بُریربن خُصیر می‌گوید: «به خداوند سوگند! خداوند با تو بر ما منت نهاد تا در کنار تو بجنگیم» (همان، ۸۰).

امام حسین<sup>(ع)</sup> در آخرین دقایق زندگی‌اش، با پیکر مجروحش، رو به آسمان ندا سر می‌دهد: «يَا إِلَهِي صَبْرًا عَلَيَّ قَضَائِكَ وَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ» (قندوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ۸۲). به تعبیر شهید مطهری، برای نشان دادن جنبه‌ی توحیدی و عرفانی، پاک‌باختگی در راه خدا و ماسوای خدا را هیچ انگاشتن امام حسین<sup>(ع)</sup>، شاید دو جمله‌ی ایشان کافی باشد؛ نخست، کلام آن حضرت در اولین خطبه‌هایی که انشاء فرمود (خطبه‌ای که در مکه ایراد کرد): «رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ» و دوم، این واپسین کلام حضرت با پیکر مجروحش است (مطهری، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۱۷۹-۱۸۰).

### نتیجه‌گیری

عوامل سه‌گانه‌ی وراثت، محیط و اراده در شکل‌گیری شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup> مؤثر بوده‌اند. شخصیت آن حضرت نه با جبر وراثت و نه با جبر محیط شکل‌گرفته است، بلکه تحت تأثیر این دو عامل و با اراده‌ی قوی تکوین یافته است. امام حسین<sup>(ع)</sup> وارث ویژگی‌های جسمانی، عقلانی و اخلاقی پدر، مادر و جدش بود. از نظر جسمانی، به پدر و جد خویش پیامبر<sup>(ص)</sup> شباهت داشت؛ از نظر عقلانی، وارث ذکاوت پدر و جد خویش و از نظر اخلاقی شجاعت، ظلم‌ستیزی، صبر، مقاومت، آزادگی و ایثار را به ارث برده است؛ اوصافی که در سیره‌ی امام علی<sup>(ع)</sup>، حضرت فاطمه<sup>(ص)</sup> و همچنین حضرت رسول<sup>(ص)</sup> یافت می‌شود. گفتنی است، محیط پیش از تولد و پس از تولد در تکوین شخصیت امام حسین<sup>(ع)</sup> مؤثر بود. البته به عبت فضای فکری، فرهنگی و رفتاری نامساعد حاکم بر آن زمان، هم‌سالان و دوستانی که در تراز اثرگذاری بر آن حضرت باشند، وجود نداشت، مگر برادر آن حضرت امام حسن<sup>(ع)</sup> که از ایشان یک سال بزرگ‌تر بود. وراثت و محیط نقش مهمی در تکوین شخصیت انسان دارند؛ اما اراده و انتخاب و تلاش انسان‌ها است که شخصیت آنان را شکل می‌دهد. سراسر زندگانی امام حسین<sup>(ع)</sup> نشان‌دهنده‌ی نقش مهم اراده در شکل‌گیری شخصیت آن حضرت است.

## منابع

- قرآن کریم.
- ابن‌ابی‌الدنیا، عبدالله بن محمد بن عبید؛ مکارم الاخلاق؛ قاهره: مكتبة القرآن، بی‌تا.
- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله؛ شرح نهج البلاغة؛ قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن‌اعثم، أحمد بن اعثم الكوفي الكندي؛ الفتوح؛ بی‌جا: دارالأضواء، ۱۴۱۱ ق.
- ابن‌حیون، نعمان بن محمد مغربی؛ دعائم الإسلام؛ قم: مؤسسة آل البيت<sup>(ع)</sup>، ۱۳۸۵ ش.
- ابن‌سعد، محمد بن سعد البصری؛ الطبقات الكبرى؛ بیروت: دار صادر، بی‌تا.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول عن آل الرسول؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ ش.
- ابن‌شهر آشوب، محمد بن علی؛ مناقب آل‌ابی‌طالب؛ نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۷۶ ش.
- ابن‌قولویه، جعفر بن محمد؛ كامل الزیارات؛ نجف: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش.
- ابن‌طاووس، علی بن موسی؛ اللهوف علی قتلى الطفوف؛ تهران: جهان، ۱۳۴۸ ش.
- اتکینسون، ریتال؛ روانشناسی هیلگارد؛ ترجمه‌ی محمدتقی براهینی؛ تهران: رشد، ۱۳۷۵ ش.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱)، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز: بنی‌هاشمی.
- امین، احمد؛ ضحی‌الاسلام؛ بیروت: دارالكتاب العربی، بی‌تا.
- انصاری، محمد بن ابی‌بکر؛ الجوهرة فی نسب الإمام علی و آله؛ قم: انصاریان، بی‌تا.
- اوبراخ، شارلوت؛ علم وراثت؛ ترجمه‌ی محمود بهزاد؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۳ ش.
- ای‌برک، لورا؛ روان‌شناسی رشد از لقاح تا کودکی؛ ترجمه‌ی یحیی‌سیدمحمدی؛ تهران: ارسباران، ۱۳۸۶ ش.
- بادن، پیر؛ روان‌شناسی شخصیت: جنبه‌های روانی اجتماعی؛ ترجمه‌ی محمود ایروانی، تهران: آفرینش، ۱۳۷۴ ش.
- بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر؛ انساب الأشراف؛ مصر: دار المعارف، ۱۹۵۹ م.
- بیکر، کاترین؛ ژنها و انتخاب‌ها؛ ترجمه‌ی خسرو حسینی‌پژوه؛ تهران: مدرسه، ۱۳۸۷ ش.
- پی‌شولتز، دوان؛ نظریه‌های شخصیت؛ ترجمه‌ی یوسف کریمی؛ تهران: ارسباران، ۱۳۸۱ ش.
- پی‌شولتز، دوان؛ الن شولتز، سیدنی؛ نظریه‌های شخصیت؛ ترجمه‌ی یحیی‌سیدمحمدی؛ تهران: ویرایش، ۱۳۸۷ ش.
- تمیمی‌آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ قم: دارالكتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- ثقفی، سید محمد؛ تأثیر محیط در تربیت؛ درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۵۰، ۱۳۸۳ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ قم: مؤسسة آل البيت<sup>(ع)</sup>، ۱۴۰۹ ق.
- خزاز رازی، علی بن محمد؛ کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر؛ قم: بیدار، ۱۴۰۱ ق.
- راس، آلن؛ روان‌شناسی شخصیت (نظریه‌ها و فرآیندها)؛ ترجمه‌ی سیاوش جمالی؛ بی‌جا: بعثت، ۱۳۷۳ ش.
- سید رضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغة؛ تحقیق: صبحی صالح؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر؛ روان‌شناسی رشد؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴ ش.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ الأمالی؛ بیروت: اعلمی، ۱۳۶۲ ش.
- \_\_\_\_\_؛ الخصال؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
- \_\_\_\_\_؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ تهران: جهان، ۱۳۷۸ ش.
- \_\_\_\_\_؛ علل الشرائع؛ نجف: منشورات المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ ش.

- \_\_\_\_\_؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمه؛ تحقیق: علی‌اکبر غفاری؛ تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ ش.
- طبرانی، سلیمان‌بن‌احمد؛ المعجم‌الکبیر؛ تحقیق: حمدی‌بن‌عبدالمجید سلفی؛ موصل: مکتبه‌العلوم و الحکم، ۱۴۰۴ ق.
- طبرسی، علی‌بن‌حسن؛ مشکاة‌الأنوار فی غررالأخبار؛ نجف: المکتبه‌الحیدریه، ۱۳۸۵ ش.
- طبرسی، فضل‌بن‌حسن؛ إعلام‌الوری بأعلام‌الهدی؛ تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ ش.
- طوسی، محمدبن‌حسن؛ تهذیب‌الأحكام؛ تهران: دار‌الکتب‌الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- \_\_\_\_\_؛ مصباح‌المتهجد و سلاح‌المتعبد؛ بیروت: مؤسسه‌فقه‌الشیعه، ۱۴۱۱ ق.
- طبری، محمدبن‌جریر؛ تاریخ‌الأمم و الملوک؛ بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات، بی‌تا.
- طبری‌آملی، محمدبن‌جریر؛ دلائل‌الإمامه؛ قم: بعثت، ۱۴۱۳ ق.
- عاملی‌نباطی، ابومحمد‌علی‌بن‌یونس؛ الصراط‌المستقیم‌الی‌مستحقی‌التقدیم؛ تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، بی‌تا.
- علایی‌رحمانی، فاطمه؛ سالاری، زینب؛ «تأثیر خانواده، محیط و اراده در شکل‌گیری شخصیت انسان از منظر امام‌علی<sup>(ع)</sup>»؛ پژوهش‌نامه‌ی نهج‌البلاغه، سال ۲، ۱۳۹۳ ش.
- علی‌بن‌موسی<sup>(ع)</sup>؛ صحیفه‌الإمام‌الرضا<sup>(ع)</sup>؛ مشهد: کنگره‌جهانی‌امام‌رضا<sup>(ع)</sup>، ۱۴۰۶ ق.
- عیاشی، محمدبن‌مسعود؛ تفسیر‌العیاشی؛ تهران: المطبعه‌العلمیه، ۱۳۸۰ ش.
- فتال‌نیشابوری، محمدبن‌احمد؛ روضه‌الواعظین؛ قم: دلیل‌ما، ۱۳۸۱ ش.
- فروم، اریک؛ انسان‌برای‌خویشتن؛ ترجمه‌ی اکبر‌تبریزی؛ تهران: بهجت، ۱۳۶۰ ش.
- فیست، جس؛ جی‌فیست، گرگوری؛ نظریه‌های‌شخصیت؛ ترجمه‌ی یحیی‌سیدمحمدی؛ چاپ‌چهارم، تهران: روان، ۱۳۸۸ ش.
- قرشی، باقر‌شریف؛ حیاة‌الإمام‌الحسن‌بن‌علی<sup>(ع)</sup>؛ بیروت: دار‌البلاغه، ۱۴۱۳ ق.
- قندوزی، سلیمان‌بن‌ابراهیم؛ ینابیع‌الموده‌لذو‌القربی؛ قم: اسوه، ۱۴۲۲ ق.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دار‌الکتب‌الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- کریمی، یوسف؛ روان‌شناسی‌شخصیت؛ تهران: دانشگاه‌پیام‌نور، ۱۳۷۸ ق.
- مارشال‌ریو، جان؛ انگیزش‌و‌هیجان؛ ترجمه‌ی یحیی‌سیدمحمدی؛ تهران: ویرایش، ۱۳۹۷ ش.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی؛ آموزش‌فلسفه؛ تهران: سازمان‌تبلیغات‌اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- مصباح، علی؛ زارعان، محمدجواد؛ بی‌ریا، ناصر؛ آقاتهرانی، مرتضی؛ رهنمائی، سید‌احمد؛ شاملی، عباس؛ حقانی، ابوالحسن؛ ساجدی، ابوالفضل؛ روان‌شناسی‌رشد‌با‌نگرش‌به‌منابع‌اسلامی؛ تهران: سمت، ۱۳۷۴ ش.
- مطهری، مرتضی؛ مجموعه‌آثار؛ تهران: صدرا، بی‌تا.
- مکارم‌شیرازی، ناصر؛ اخلاق‌در‌قرآن؛ قم: مدرسه‌الإمام‌علی‌بن‌أبی‌طالب<sup>(ع)</sup>، ۱۳۷۷ ش.
- نیکزاد، محمود؛ روان‌شناسی‌اجتماعی؛ تهران: کیهان، ۱۳۸۴ ش.
- هدفیلد، ژ.آ.؛ روان‌شناسی‌و‌اخلاق؛ ترجمه‌ی علی‌پریور؛ تهران: علمی‌و‌فرهنگی، ۱۳۷۳ ش.
- هنری‌ماسن، پاول و همکاران؛ رشد‌و‌شخصیت‌کودک؛ ترجمه‌ی مهشید‌یاسایی؛ تهران: مرکز، ۱۳۶۸ ش.
- یعقوبی، احمدبن‌ابی‌یعقوب؛ تاریخ‌الیعقوبی؛ بیروت: دار‌صادر، بی‌تا.